

صفحه ۱ از علیرضا بهرامی

پولدارها بچه دار شوند!

دبیر ستاد ملی جمعیت از لزوم فرهنگسازی و تشویق به فرزندآوری قشر مرفه جامعه گفت

تشویق مرفهین به فرزندآوری با فرهنگسازی

خبرنگار همشهری در این نشست از دبیر ستاد ملی جمعیت پرسید که سیاست تشویقی کارت امید مادران ممکن است قشر ضعیف و متوسط جامعه را ترغیب به فرزندآوری کند اما برنامه‌های دولت برای تشویق و ترغیب قشر مرفه جامعه به فرزندآوری چیست؟

مرضیه وحید دستجردی با پذیرش لزوم تفاوت‌ها در برنامه‌ریزی برای تشویق افراد جامعه به فرزندآوری، اهدای کارت امید مادران را انگیزه خوبی برای اقبال ضعیف و متوسط جامعه به‌منظور فرزندآوری برشمرد اما این نکته را هم متذکر شد که اتفاقا ما باید در این بخش (تشویق به فرزندآوری) تمرکز ویژه روی قشر مرفه جامعه کنیم: «قشر مرفه به واسطه توانایی در تامین هزینه‌های زندگی کودک باید در این بخش پیشقدم شوند. ما برای تشویق آنها نیازمند کمک رسانه‌ها و فعالان بخش فرهنگی هستیم. نگاهی گذرا به رفتار ثروتمندان کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که این خانواده‌ها عمداً دارای تعداد زیادی بچه‌های قد و نیم‌قد هستند که با یکدیگر در انتشار عکس‌های خانوادگی پرجمعیتشان در فضاهای مجازی رقابت می‌کنند. این در



عکس: علی‌رضا بهرامی

داشتیم. برنامه‌های گسترده سلامت که از آن زمان تا حالا اجرا شده، منجر به بالا رفتن امید به زندگی تا ۷۹ سال شده است. ۵۲۰۰ مرکز مراقبتی در ۲۱۰ نقطه در حال فعالیت هستند و در سال گذشته ۱۴ میلیون نفر از چینی‌های بالای ۶۵ سال از خدمات مراقبت سالمندان برخوردار شده‌اند. هم‌زمان باید نکاتی درباره معلولیت هم مورد توجه قرار

بافت خجالت خانواده‌ها می‌شود و ما باید روی این موضوع

فرهنگسازی کنیم.»

به گفته وحید دستجردی، با توجه به ضرورت‌ها

و نیاز کشور، ما نیازمند فرهنگسازی

و الگوسازی بین قشر مرفه در حوزه

فرزندآوری هستیم و این امر

محقق نمی‌شود مگر با ورود

پر قدرت رسانه‌ها به این

بخش و ترویج فرهنگ

فرزندآوری و به تصویر

کشیدن خانواده‌های شاد

پر جمعیت در رسانه‌ها.

باید خود را برای رقابت با همسایه‌های پر جمعیت آماده کنیم

تا ۲۵ سال آینده تقریباً ۲۶ درصد جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دهند و اگر از امروز به فکر افزایش جمعیت نباشیم در ۲۵ سال آینده جوانان پویا و فعالی که باید در بخش تولید فعال باشند و بیمه پرداخت کنند تا صندوق‌های بیمه‌گر بتوانند مستماری بازنشستگان و سالمندان را پرداخت کنند، وجود نخواهد داشت و این حداقل چالشی خواهد بود که ما در صورت بی‌توجهی به ترکیب جمعیتی با آن روبه‌رو خواهیم بود. دبیر ستاد ملی جمعیت با این هشدار، زنگ خطر بی‌توجهی به ترکیب جمعیتی را به صدا درآورد و این را هم یادآور شد که در آینده همسایه کشورهایی خواهیم بود که به واسطه زاد و ولد فراوان قطعاً جمعیتی چندبرابر ما خواهند داشت که این موضوع قدرت رقابت ما در عرصه‌های بین‌المللی را در برابر آنها کاهش خواهد داد و چه‌بسا امنیت ملی کشور را هم به خطر خواهد انداخت.

گیرد زیر بارخی از این سالمندان معلول هستند. از طرف دیگر، موضوع باز نشستگی را هم باید مورد توجه قرار داد. اکنون چین به‌دنبال راهبرد جهانی برای توجه به سالمندی است؛ زیرا این موضوع ابعاد جهانی دارد. به همین دلیل، پروژه‌های سه‌جانبه با سازمان ملل و ایران را در حوزه سالمندان طراحی کرده‌ایم.

سید جواد حسینی، رئیس سازمان

بهریستی؛ کیتا اوهاشی، نماینده صندوق جمعیت

سازمان ملل متحد؛ اشتفان پریزتر، هماهنگ‌کننده

مقیم سازمان ملل در ایران و طراحان و مجریان

پروژه‌های سالمندی ایران روز گذشته در ساختمان

سازمان بهزیستی کشور برگزار شد. مهمانان ویژه

این همایش سرای ۳ کشور ژاپن، کره جنوبی و چین

بودند که تجربه برخورد با موضوع جمعیت و

سالمندی در کشور خود را بیان کردند.

رئیس سازمان بهزیستی در این مراسم با قدردانی ۱۴ سال

همکاری ارزشمند صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA)

را، با شورای ملی سالمندان ایران خبر داد و گفت: ۱۸

مرکز استان در کشور به‌عنوان شریک‌دستار سالمند معرفی

شده‌اند. اکنون ۶۷۵ مرکز سالمندی در کشور فعال است

که طیف‌های مختلف خدمات را ارائه می‌کنند؛ ۱۰۲ مرکز

ویزیت در منزل، ۱۰۱ مرکز مراقبت در منزل، ۳۰۷ مرکز

شبانه‌روزی، ۱۵۷ مرکز روزانه و ۴۶ خانه حمایتی سالمندان

در کشور فعال است و پاتوق‌های عصرگاهی در مدارس نیز به

این مجموعه افزوده خواهند شد. الگوی استفاده از مدرسه‌ها

به‌عنوان پاتوق سالمندان نیز از کشورهای شرقی مانند

ژاپن گرفته شده است، زیرا در این کشورها مدارس، مرکز

طرح‌های محله‌محور هستند.

بانک زمان

تسوکادا تاماکی – سفیر ژاپن:

من امسال ۶۰ ساله و وارد جامعه سالمندی شده‌ام. مادرم

۸۷ سال دارد و دچار دمانس (زوال عقل) شده است اما با

آرامش در یک خانه سالمندان در ژاپن زندگی می‌کند.

ژاپن یکی از سالمندترین کشورهای جهان است و ۲۹ درصد

جامعه ما بیش از ۵۵ سال سن دارند. به همین دلیل در

خط مقدم چالش‌ها قرار داریم اما فرصت‌هایی هم ایجاد

می‌کنیم. ژاپن طرحی به نام «بانک زمان» دارد. در این

طرح اشخاصی که به مراقبت و نگهداری از سالمندان

بودن در آغوش پدرش. رایان فقط جتینی ۶ماهه بوده که

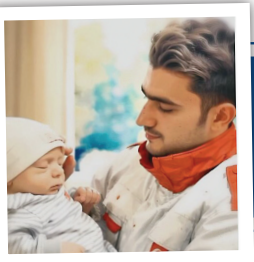
پدرش یاسر زویویر از امدادگران جمعیت هلال احمر، در

چنگ ۱۲ روزه به شهادت می‌رسد و دیروز او در حالی به دنیا

آمد که پدری نبود که به استقبال فرزندش به پیمارستان

روایت یک قاب عکس غم‌انگیز

شاید بتوان با هوش مصنوعی، رایان تازه متولدشده را در آغوش پدر شهیدش گذاشت و شمایل یک عکس یادگاری از نخستین دیدار یک پدر و پسر ساخت اما در واقعیت پدری از دیدن نوزاد تازه متولدشده‌اش محروم شده و پسری از



عکس: علی‌رضا بهرامی

خدا حافظ چهرازی

درباره نخستین آسایشگاه روانی خصوصی پایتخت که سخنگوی وزارت بهداشت خبر از تخریب آن می‌دهد

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار

گزارش

حسابش از دست در رفته؛ این بار چندم است وقت نوبر نارنگی‌ها و مرگ زرد و نارنجی‌ها، باز خبر «تخریب بیمارستان اعصاب و روان چهرازی» سر خط می‌شود؛ هر بار هم با صدای کسی که «چرا همه رفتن! ششون رو می‌دان واسه پاییز...» داستان بیمارستان چهرازی از خیابان ولیعصر، روبه‌روی پارک ملت، کوچه رحمتی شروع می‌شود. نگهبان این روزهای بیمارستان نه نارنگی دوست دارد و نه تاریخ نشان به آن نشان که از تکرار «نه بابا...» شایعه‌اشمی خراب نمی‌کنن» برای دلوایسان تخریب بیمارستان به تنگ آمده و گاهی فکر می‌کنند نگهبان برج و بارو بودن بی‌دردسر تر از نگهبان یک بیمارستان مترو که است که عالم و آدم با آن خاطره دارد. سال ۱۳۴۴ اما در سر سیدابراهیم چهرازی، مالک و

وود ممنوع به یک هکتار باقیمانده

از حدود ۱۵ هزار مترمربعی که ابراهیم ترازه از فرنگ آمده، گوشه‌ای از خیابان طولانی شهر که برو و بیای این روزها را نداشت، خریده بود کمتر از هزار مترمربع پر اکندۀ آن باقی‌مانده است. میان متر مربع‌های کاسته‌شده از نخستین دارالمجانین خصوصی تهران، ساختمان‌های نونواری قد کشیده‌اند که انگشت‌شماری از ساکنان‌شان، قصه آدم‌های چهرازی‌نشین را می‌دانند. یکی مثل فریبا که هر روز از کنار دیوار آجرچین بیمارستان، راه سوی پارک ملت می‌برد تا کمی قدم بزند: «نمی‌دانستم مترو که‌ای که چند پلاک با خانه‌ام فاصله دارد یک‌وقتی بیمارستان بوده تا سال ۱۳۸۹ که گروه فیلمبرداری «فرود آقایان ممنوع» آنجا آمد و شد کردند.» صدای زنی هم‌سن و سال فریبا از میان هوار هوارهای ته حیاط به گوش می‌آید: «چیه این همه قرقس‌گی و کپسول بغور که می‌دید به خوردمون... به لاک لایع زدن که این همه دوا و درمون نمی‌خواست...»

»

ابراهیم چهرازی مالک و مدیر بیمارستان

اسکیزوفرنی آقای باز یگر و دلار دیوانه

شاید حق با بهروز که از قدیمی‌های کوچه چهرازی سابق است و پنجره اتاق خوابش هم رو به‌سوی خرابه بیمارستان باز می‌شود، باشد: «چه فرقی می‌کند از قدیمی‌ترین بیمارستان‌های شهر باشد یا نباشد که ۸۰ سال پیش در آن تعدادی جنون ادواری داشتند و تعدادی هم اسکیزوفرنی. اگر فرقی می‌کرد اسمش را به لیست آملی می‌آوردند...» انگار او نیز مانند آقای نگهبان، میل به نارنگی ندارد و همیشه پایین‌ترین نمرات سسال‌های تحصیلی‌اش، نمراتی بودند که جلوی درس تاریخ توی کارنامه‌هایش می‌نوشتند. هوار هوارهای ته حیاط به ساختمان نیمه‌فروریخته بیمارستان که پیش‌تر در مانگه بوده، می‌رسد. از میان قاب چوبی موربانه‌خوره یکی از پنجره‌های کوچکش، مردی جوان سر بیرون آورده: «من نکشتم... کار زندانبان است؛ آره... کار خودش است که من را هم دیوانه کرده.» صدای ناصر ملک‌مطیعی است که بعد از کات دادن آقای کارگردان سعی دارد از حس و حال نقش (سال ۱۳۳۲ چهرازی لوکیشن فیلم افسونگر بوده است) خارج شود. چقدر حس و حالش شبیه عابری است که حالا دارد از کنار محوطه چهرازی می‌گذرد؛ پیداست که نمی‌خواهد دیگر به قیمت پیاز و سیب‌زمینی و کمی میوه پاییزی که کیسه‌های خریدش را پر کرده‌اند، فکر کند: «ترخ دلار را تا خر تلاق بالا آورده و این ماشه‌ای را هم آن طرف دنیا فعال کرده باشند که باشد... ولش کن تا دیوانه نشدی... همین موقع باز نگهبان برای کسی، جمله «نه بابا...» شایعه است؛ خراب نمی‌کنن» را تکرار می‌کند.

هیس: چهرازی‌ها هوار هوار نمی‌کنند

آنقدر، دلوایس پشت دلوایس، دکه زنگ در بیمارستان را افشرد تا نگهبان، صدلی‌اش را آورد بیرون. رویش لم داده و هر یکی دو ساعت برای کسی یا کسانی همان جمله کوتاه را تکرار می‌کند. بعضی دلوایسان، پیگیر تر از آنند که باشند یک جمله بروند بی کارشان: «جازه می‌دی به نگاه داخل بیمارستان بندازم؟». «قول می‌دیم عکس نندازیم» از خیلی عبارت‌های دیگر برای اصرار تماشای بنایی خاطره‌انگیز و پر قصه که هیچ کدام‌شان اثر ندارند و نگهبان، مسئولیت پدر تر از این حرف‌هاست. باز هم صدای ته حیاط می‌پیچد با تار یک شدن هوا، ساختمان کهنه و سیمانی چهرازی، لوکیشنی مناسب برای فیلم‌هایی با ژانر وحشت به‌نظر می‌رسد. صدایی از بیمارستان می‌پیچد در درخت‌های چنار خیابان ولیعصر: «پاییز یهو می‌آد، تو به‌روزه مثل بهار و بقیه. صبح زود بیدار می‌شی می‌بینی حیاط شده شده و رنگ و رنگ که برپا در دیده می‌کنند...»

صفحه ۱ از مجید اصغری

هشتگ روز

زندگی به سبک عمو پورنگ

لیلا شریف | روزنامه‌نگار | یک ویدئو از داریوش

فرضیایی (عمو پورنگ) مجری شناخته‌شده تلویزیون و مادر پیرش، این روزها چراغ امید را در دل بسیاری روشن کرد و یادآور شد که خانواده محدود به دوران خوش جوانی نیست و در روزگار سالمندی هم باید هوای هم را داشت.

شاید بتوان با کمی افرای، سبک زندگی عمو پورنگ را همان سبک زندگی درست و محبوب فرهنگ ایرانی دانست که این روزها کمی به حاشیه رفته است و برخی به جای تلاش برای پناه بودن، به هر دلیلی تصمیم به حذف می‌گیرند.

محبوبیت این سبک از همراهی با پدر و مادر پیر را می‌توان در میزان بازدید کاربران فضای مجازی از ویدئوهای عمو پورنگ در اینستاگرام جست‌وجو کرد: در میان ۴ هزار و ۸۰۰ پستی که در صفحه او با ۷ میلیون دنبال‌کننده منتشر شده است، تصاویری که محبت رد و بدل شده میان این پسر و مادر را روایت می‌کند، بیش از سایر پست‌ها مورد استقبال قرار می‌گیرد.

این رفتار ساده مجری محبوب تلویزیون واکنش کاربران، حامل همان پیامی است که بسیاری از روانشناسان و جامعه‌شناسان تلاش کرده‌اند تا آن را با زندگی مردم گره بزنند؛ اینکه خانواده همان پناه ابدی است و مفهوم پدر و مادر تا تاریخ انقضا ندارد. به عبارت دیگر تصویر عمو پورنگ و مادرش، تنها یک قاب از عاطفه رد و بدل شده میان این مادر و پسر نیست، بلکه می‌تواند یک درس برای همه ما باشد. در روزگاری که برخی سپردن پدر و مادر سالمند به پرستار یا خانه سالمندان را ساده‌ترین راه می‌دانند، دیدن فرزندگی که با صبوری در کنار مادر سالخورده خود می‌ماند، می‌تواند الهام‌بخش باشد.

همزمانی استقبال کاربران از ویدئوی مراقبت داریوش فرضیایی از مادرش با روز سالمند، همان تلاقی مبارکی است که می‌تواند به بهانه‌ای برای قدردانی از والدین سالخورده و سالمند تبدیل شود و این نگاه را تبلیغ کنیم که قدردانی از والدین و نگهداری از آنها در روزگار سالمندی، یک وظیفه تحمیلی نیست، بلکه یک افتخار است.